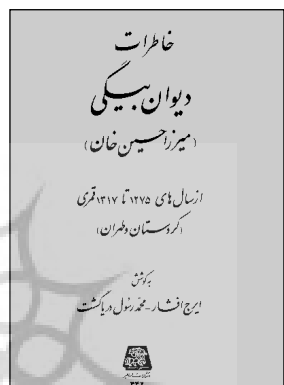


خاطرات دیوان بیگی

○ مجتبی تبریزینیا



○ خاطرات دیوان بیگی (میرزا حسین خان) از سال های ۱۲۷۵ تا ۱۳۱۷ ه. ق (کردستان و طهران)
 ○ تألیف: میرزا حسین خان دیوان بیگی
 ○ به کوشش: ایرج افشار و محمدرسول دریاگشت
 ○ ناشر: اساطیر، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۲، ۳۸۸ ص، ۴۱۰۰ تومان
 ○ شابک: ۹۶۴-۳۳۱-۱۲۸-۷



این خاطرات که به قلم یکی از رجال سطوح میانی و متوسط دولت در عصر قاجار به رشته تحریر درآمده، به‌ویژه از جهت آگاهی بر حوادث غرب کشور (کردستان و کرمانشاه)، آمد و رفت حکام و نایب‌الایاله‌های آن جا و اقدامات مهم ایشان در دوران سلطنت ناصرالدین شاه از یک سو، و به دست آوردن اطلاعاتی دیگر و گاه فزون‌تر درباره تهران و برخی رجال دوران یاد شده از سوی دیگر ارزشمند است. هرچند به دلیل اینکه نویسنده آن از سطح یک مامور ساده دیوانی، موقعیت و نفوذ بیشتری نیافته، لذا اطلاعات جزئی و اخبار تاکنون پنهان مانده‌ای در آن نمی‌توان یافت. لیکن پرتو دیگری است بر شیوه زندگی و حکومت و نوع روابط موجود میان رعایا و حکام از یک سو و میان حکام و والیان و نایبان و سایر مقامات اداری و صاحبان مناصب از جهت دیگر که در نوع خود به عنوان یک مأخذ تاریخی ارزشمند و قابل استفاده است.

خاطرات دیوان بیگی، سرگذشتی است خودنوشت از **میرزا حسین دیوان بیگی کردستانی**، مشتمل بر سوانح زندگی او در دوران تولد و زندگی در کردستان (۱۲۷۵-۱۳۰۱ ق) و سپس از روزگار مهاجرت و سکونتش در تهران (۱۳۰۲-۱۳۱۷ ق) به انضمام یادداشت‌های پراکنده‌ای که در سنوات گوناگون تا سال ۱۳۳۱ قمری نوشته است. پدرش، **میرزا رضا علی**، از موقعیت و ثروت و نفوذ بسیاری در کردستان و کرمانشاه برخوردار شد اما هیچگاه فرزندان نتوانستند مرتبه پدر را کسب کنند.

میرزا رضاعلی در عهد سلطنت ناصرالدین شاه از رجال متشخص و اعیان کردستان و از عمال قابل و مدیر دولت به شمار می‌آمد و به مناسبت تصدی امور دیوان بیگی و همچنین نایب الایالگی در کردستان دارای حشمت و سطوتی در آن منطقه مخصوصاً کرمانشاه و سنجند و اورامانات بود.

در سال ۱۲۷۵ که فرمان تشکیل «دیوان‌خانه‌علیه» از سوی ناصرالدین شاه صادر شد و مقرر گردید برای ایالات، دیوان بیگی منصوب شود، میرزا رضاعلی که تا آن زمان «نایب الوزاره» و متصدی امور مالیات کردستان بود به سمت دیوان بیگی کردستان منصوب می‌شود. عنوان «دیوان بیگی» برای او در حکم لقبی می‌بود و اسلافش بعدها همان عنوان را نام خانوادگی خویش قرار دادند.

میرزا رضاعلی دیوان بیگی به سن هفتاد و یک سالگی در سال ۱۳۰۱ قمری درگذشت. با رفتن او شیرازه امور خانوادگی سستی گرفت. میرزا حسین ناچار به تهران آمد و در این شهر ماندگار شد. وی در خاطراتش مقام پدر را به خوبی و روشنی نمایانده است.

کتاب از دو بخش و چند پیوست تشکیل شده است. بخش نخست دربرگیرنده خاطرات میرزا حسین خان از زمان تولد و طفولیت تا زمان فوت پدرش، میرزا رضاعلی است. این زمان، از سال ۱۲۷۵ ه. ق که میرزا رضاعلی به منصب دیوان بیگی منصوب می‌شود و صاحب خاطرات در سال بعد (۱۲۷۶ ه. ق) متولد می‌گردد، و همزمان با سال یازدهم سلطنت ناصرالدین شاه بوده، آغاز می‌شود و تا سال ۱۳۰۱ ه. ق که پدرش دار فانی را وداع می‌گوید ادامه می‌یابد. این بخش از خاطرات درباره حوادث کردستان و کرمانشاهان است. وی از آمدن و رفتن بیش از هشت حاکم یا نایب‌الایاله بر کردستان و کرمانشاهان در مدت بیست و شش سال یاد شده و حوادث ایام آنها و اقدامات مهم ایشان صحبت می‌کند. از جمله این حکام عبارت بوده‌اند از: **امان‌الله خان ثانی** مشهور به **غلامشاه خان** ملقب به **ضیاءالملک**؛ **فرهاد میرزا معتمدالدوله** پسر **عباس میرزا نایب السلطنه** و عموی **ناصرالدین شاه**؛ **عبدالعلی میرزا احتشام‌الدوله** (نایب الایاله)؛ **طهماسب میرزا مؤیدالدوله**؛ **امامقلی میرزا عمادالدوله** برادر کوچکتر **مؤیدالدوله**، **عمادالدوله** ملقب به **حشمت‌السلطنه** (نایب الایاله)؛ **غلامرضا خان شهاب‌الملک** ملقب به **آصف‌الدوله**؛ **سلطان مراد میرزا حسام‌السلطنه**؛ **مسعود میرزا ظل‌السلطان**؛ **محمودخان ناصرالملک** (نایب الایاله ظل‌السلطان). در این رفت و آمد حکام، میرزا رضاعلی دیوان بیگی گاه مقام و مرتبتی عالی کسب می‌کند و بر قدرت و حیطة نفوذش افزوده می‌شود و گاه برعکس، مورد غضب قرار می‌گیرد، دستگیر و زندانی شده و حتی دچار سوءقصد می‌شود که شرح آنها را فرزندش در خاطرات خانه پدری بازگو کرده است.

اگرچه بخش زیادی از خاطرات را، گزارش از حوادث سیاسی کردستان و تلاشهای حکام و ماموران دولتی تشکیل می‌دهد، اما در عین حال اطلاعات ارزشمندی درباره آداب و رسوم مردم مثل عروسی و عزاداری، شیوه زندگی و روابط افراد، روابط مالک و رعیت، روابط و مبادلات اقتصادی اجتماعی، مجازات‌ها و جرایم، مراسم اعطای خلعت و القاب، ایلات کردستان، مسائل سرحدی با عثمانی، توصیفی از طاق بستان، اشاره‌ای به مشایخ نقشبندیه از جمله آداب و شیوه زندگی و مراسم خاص آنها و خانقاهها و خوراک ایشان، اشاره‌ای به حوادث اروپا (جنگ ناپلئون با آلمانها)، یاغی‌گری و



پیوست سوم شامل ۶۱ نامه از دیوان عدلیه اعظم به مهر عباسقلی معتمدالدوله جوانشیر و همچنین از حکامی مانند عزیزخان سردار کل و حسام السلطنه و دیگران به میرزا رضاعلی دیوان‌بیگی و یا مربوط به او (سال‌های ۱۲۷۵-۱۲۹۶ ه. ق) است. در صفحات پایانی عکس‌هایی از خانواده دیوان‌بیگی و تصویر اسناد چاپ شده و پس از آن فهرست‌های اعلام آمده است.

در پایان به تصحیح و تنظیم و چاپ محققانه اثر نیز باید اشاره کرد فهرست مفصل مطالب به صورت سالنامه‌نگاری که خواننده را با یک نگاه سریع به محتوا رهنمون می‌گردد و با سرعت و سهولت می‌تواند دریابد آیا خواسته‌اش در متن کتاب یافت می‌شود یا نه، امتیازی است که استاد ایرج افشار و جناب آقای محمدرسول دریاگشت بر کتاب افزوده‌اند. مقدمه کوتاه اما بسیار جامع و کامل استاد ایرج افشار درباره ارزش‌های کتاب و محتوا و موضوع و سرگذشت صاحب خاطرات و خانواده‌اش، از دیگر امتیازات کتاب است. پیوست‌های کتاب نیز از چنان فهرست موضوعی به همراه سال‌نگاری برخوردار است که خواننده را از مراجعه به اصل اسناد و نامه‌های این قسمت بی‌نیاز می‌سازد، مگر برای مطالعه متن کامل آنها که امری دیگر است. تصاویر اسناد، عکس‌هایی نفیس از میرزا حسین خان، پدر و فرزندان او، نمایه‌های نام اشخاص، اسامی جغرافیایی و اقوام و اصطلاحات و امور مدنی از افزوده‌هایی است که در کمتر کتاب تصحیح و تحقیق شده می‌توان یافت، اما این کتاب از آن برخوردار شده و خوانندگان را بسیار یاری‌رسان است. در خاتمه، توضیحات مختصر استاد ایرج افشار درباره نسخه کتاب و فرزندان و بازماندگان میرزا حسین خان دیوان‌بیگی، خواندنی است:

«نسخه خاطرات میرزا حسین در دست فرزندش آقاخان بود. ایشان اصل نسخه را به من مرحمت کرد تا در فرهنگ ایران زمین به چاپ برسانم. تا زنده بود آن نیت عملی نشد. خوشبختانه اکنون بدین صورت منفرد در اختیار علاقه‌مندان به تاریخ دوره قاجار قرار می‌گیرد.

یکی از فرزندان میرزا حسین، آقاخان نام داشت. او بعدها نام جد خود رضاعلی را اختیار کرد و در میان رجال معاصر بدین نام شهرت داشت. تولد او ۲۰ ذی‌قعدة ۱۳۱۰ ه. ق در تهران بود. ایشان دوره مدرسه علوم سیاسی را به پایان رسانید و سپس به عضویت وزارت امور خارجه درآمد (۱۳۳۰ ه. ق / ۱۲۹۰ ه. ش) در دوره‌های پنجم و ششم و هفتم سمت نمایندگی مجلس داشت (عجب است که از شهرهای بلوچستان نه از کردستان) و پس از آن سمت استانداری از جمله خوزستان (۱۳۲۱ ش) یافت. آخرین کار ایشان سناتور بود و در جریان ملی شدن صنعت نفت به عضویت هیأت مختلط انتخاب شد. همیشه در شمار رجال خوشنام و با کفایت و صاحب رأی و مستقل بود. در دوره سناتوری با عقد قرارداد کنسرسیوم و لایحه تشکیل سازمان اطلاعات و امنیت کشور مخالفت صریح کرد. رضاعلی دیوان‌بیگی کتابی به نام سفر مهاجرت در نخستین جنگ جهانی نوشته است که در سال ۱۳۵۱ به چاپ رسیده است. ایشان یکی از افرادی بود که به مهاجرت رفت...

نامه‌هایی که در پیوست سوم چاپ شده در اختیار آقای فرخ درخشانی (مقیم ژنو) است. ایشان نوه میرزا حسین دیوان‌بیگی است.»

شورش‌های محلی و بسیاری مطالب جزئی دیگر که از چپش آنها در کنار یکدیگر تصویری از زندگی مردم و شیوه حکومتداری عصر قاجار در غرب کشور به دست می‌آید. بخش دوم شامل خاطرات نویسنده از دوران اقامت در تهران، از سال ۱۳۰۱ تا ۱۳۱۷ ه. ق است. میرزا حسین خان، پس از فوت پدر راهی تهران می‌شود تا شغل مناسبی در دستگاه حکومت دست و پا کند. وی ابتدا به مرحوم میرزا یوسف مستوفی الممالک نزدیک شد. پس از آن مدتی را با فخرالملک اردلان گذرانید و سپس با وکیل السلطنه (صاحب‌جمع) برادر اتابک مربوط شد و با پسران اتابک حشر و نشر پیدا کرد و از این طریق در دستگاه امین السلطان به خدمت درآمد و در سفرها (از جمله سفر اجباری اتابک به قم) همراه وی بود. همچنین در بعضی سفرهای شاه، به‌ویژه در اطراف تهران، مانند جاجرود و فیروزکوه و دماوند جزو اردو بوده و بارها برای رفع امور حکومتی فیروزکوه به آنجا رفته است.

این بخش از خاطرات به دلیل اینکه نویسنده در زمره مجریان امور قرار داشته و به مقامات عالی‌نرسانه از این رو با رجال برجسته و صاحب‌منصبان عالی‌رتبه حشر و نشر نداشته، لذا فاقد جزئیات حوادث و رویدادهای سیاسی است، لیکن از جنبه آگاهی از وضع تهران و برخی حوادث آن مانند اتمام راه آهن حضرت عبدالعظیم، شیوع بیماری وبا، جشن سال پنجاهم سلطنت ناصرالدین شاه، قتل ناصرالدین شاه، سرنوشت میرزا رضا، به سلطنت رسیدن مظفرالدین شاه، عزل اتابک و اقوامش، آداب و رسوم ماه رمضان و جشن نوروز و سایر آداب و مراسم ارزشمند است.

پیوست‌ها:

کتاب از سه پیوست برخوردار است.

در پیوست نخست بعضی یادداشت‌ها و اشعار پراکنده میرزا حسین خان دیوان‌بیگی که به تفاریق ایام نوشته شده و از سال ۱۳۰۱ تا ۱۳۳۱ ه. ق را دربرمی‌گیرد، آورده شده است. از جمله این یادداشت‌ها است: عزیمت از کردستان به تهران و قبولی نوکری دارالخلافه (۱۳۰۱ ه. ق)؛ در معیت وکیل السلطنه، سفر به قم و ورامین (۱۳۰۹ ه. ق)؛ نقل اشعاری از سرائی شاعر راجع به نیرالدوله (۱۳۱۶ ه. ق)؛ چند دوبیتی و ذکر پریشانه‌حالی (۱۳۱۸ ه. ق)؛ عزیمت پسران ناصرالدین شاه جهت تحصیل به فرنگ (۱۳۱۹ ه. ق)؛ عزیمت مظفرالدین شاه به فرنگ (۱۳۱۹ ه. ق)؛ تکفیر علمای نجف بعضی اشخاص را (۱۳۱۹ ه. ق)؛ بروز مرض وبا در عراق و سرایت آن به ایران (۱۳۲۲ ه. ق)؛ شورش علمای تهران بر ضد عبدالمجید میرزا و تحصن در مسجدشاه و حضرت عبدالعظیم (۱۳۲۳ ه. ق)؛ مرگ مظفرالدین شاه و عزل عین‌الدوله و امیربهداد (۱۳۲۴ ه. ق)؛ مذاکره سیاسی در مجلس جهت اولتیماتوم روس‌ها (۱۳۲۹ ه. ق)؛ موقعیت شغلی بعضی رجال (۱۳۳۱ ه. ق)؛ اظهارنظر درباره مشروطیت (۱۳۳۱ ه. ق).

در پیوست دوم هفده فرمان و حکم مربوط به میرزا رضاعلی نایب‌الوزاره و دیوان‌بیگی کردستان (پدر میرزا حسین خان) آمده که پیش از این، در جلد بیستم «فرهنگ ایران زمین» در سال ۱۳۵۳ نیز چاپ شده بودند.